

Logical Fallacies 3

مغالطات منطقی ۳

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مغالطه تمسک به جهل Argument from Ignorance

کسانی که وجود خدا را انکار میکنند گرفتار مغلطه توسل به جهل هستند. اینک کسی بگوید خدا نیست چون من نشانه ای و دلیلی برای وجودش ندارم همین اشکال را دارد. یادمان باشد، چیزی را که نمی فهمیم یا نمی دانیم، انکار نکنیم.

مغالطه طلب برهان از مخالفین یا انتقال بار اثبات (shifting the burden of proof)

اگر کسی ادعایی را بدون استدلال مطرح کند و از دیگران بخواهد که اگر مخالف هستند، آن را ابطال نمایند و دلیلی بر ضد آن ارائه دهد، این مغالطه استفاده شده است. پیش فرض این مغالطه آن است که هر چیز را می توان پذیرفت، مگر این که مخالف آن ثابت شود؛ در حالی که درست آن است که هیچ چیزی را نمی توان پذیرفت مگر آن که خود آن اثبات شود.

برخی گمان می کنند که کسی که می گوید «ثابت کن این طور است» با کسی که می گوید «ثابت کن این طور نیست» فرقی ندارد. در حالی که اولی در حقیقت می گوید «اگر ادعایی می کنی، دلیلی بیاور» در حالی که دومی انتظار دارد مدعایش بدون دلیل پذیرفته شود و فقط اگر دلیل ردی بر آن پیدا شد، آن را کنار بگذارد.

- از ملانصرالدین پرسیدند مرکز زمین کجاست. ملانصرالدین گفت: همین جا که ایستاده‌ام.»
- مردم گفتند: «چرا؟» گفت: «اگر باور ندارید، اندازه بگیرید!!!»
- در مورد اثبات وجود خدا نیز چنین مغالطه‌ای رایج است: تو دلیلی برای عدم وجود خدا نداری، پس واضح است که خدا وجود دارد.

جمله بالا، مغالطه است؛ زیرا طبق منطق، بار اثبات بر دوش مدعی است و ادعای وجود هر چیزی نیاز به اثبات دارد و ادعای وجود خدا نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر کسی مدعی وجود خدا شود، باید این دعوی را ثابت کند. ما حق نداریم از مخالفان طلب برهان کنیم. نمیتوان از کسی که به وجود خدا باور ندارد خواست که ثابت کند خدا نیست. کسی که باور دارد باید بتواند برای ادعای خود دلیل بیاورد.

درخواست از مخالفان یک نظریه مبنی بر اینکه اگر این مدعا را نمی پذیرید، بر ضد آن استدلال بیاورید مغالطه است. وقتی شخصی به عنوان متهم به دادگاه می‌رود، آیا او باید اثبات کند بی گناه است یا کسانی که او را متهم کرده اند باید ثابت کنند گناهکار است؟ منطق می گوید کسی که ادعایی را مطرح می کند باید آن را ثابت کند و نمیتواند از طرف مقابل بخواهد خلاف آن را ثابت کند. اگر کسی به شما تهمت زد که مثلاً شما جاسوس هستید او باید جاسوس بودن شما را ثابت کند نه اینکه شما ثابت کنید جاسوس نیستید. اگر کسی به شما این اتهام را وارد کرد که شما ماشین او را دزدیده اید. او باید ادعای خود را ثابت کند نه اینکه شما ثابت کنید ماشین او را نذریده اید. اگر سیاستمداری طرحی دارد و آن را مفید می داند باید بتواند اثرات مثبت آن را ثابت کند نه اینکه مخالفان او بخواهند ثابت کنند طرح او زیانبار است. به همین ترتیب شرکتی که دارویی را ساخته باید اثربخشی آن را ثابت کند نه اینکه دیگران مجبور باشند خلاف آن را اثبات کنند.

مغالطه فضل فروشی (Blinding with science)

این مغالطه زمانی اتفاق می افتد که کسی سعی کند با استفاده از کلمات ثقیل و با بیانی پیچیده خود را بسیار باسواد و اهل فضل معرفی کند. معنای معادل انگلیسی آن به معنای کور کردن با علم است. در اینجا منظور ژست علمی و بامعلومات گرفتن است که این ژست میتواند با (۱) استفاده از لغات قلمبه سلمبه، (۲) بکار گرفتن واژگان زبانه‌های خارجی، (۳) ارائه آمار و (۴) استفاده از اسامی دانشمندان باشد. مغالطه کار در صدد بر می آید تا با اینکار مخاطب خود را تحت تاثیر قرار دهد.

افراد صاحب اندیشه سعی می کنند نظر خود را به ساده ترین روش بیان کنند تا مخاطب به راحتی متوجه منظور آنها شود. اما افراد مغالطه کار برعکس عمل میکنند. سعی می کنند طوری سخن بگویند که افراد گیج شوند و دلیل گیج شدن خود را سطح بالای معلومات سخنران بدانند.

بارها دیده شده افراد در تعریف و تمجید از یک استاد یا سخنران می گویند اینقدر سطح معلوماتش بالاست که ما از حرف هایش هیچ چیز نفهمیدیم !!! کسی که برای اثبات مدعای خود، دلیل و برهان قانع کننده

ندارد سعی میکند بجای دلیل و برهان، از واژه های سخت و پیچیده استفاده کند تا از این طریق مخاطب خود را تحت تاثیر قرار داده و او را مرعوب کنند تا احساس حقارت کند، در مقابل این همه معلومات و سطح سواد بالا.

فرد مغالطه کار در بیان مطالب خود عمدا و بدون اینکه نیازی باشد از کلمات قلمبه سلمبه استفاده می کند، مثلا تکامل را قبول ندارد و از فرگشت استفاده می کند. او به همین ترتیب از اسامی فلاسفه و دانشمندان در جایی که ضرورت ندارد به قصد فضل فروشی و مرعوب ساختن مخاطب استفاده می کند. مثلا برخی وعاظ با خواندن آیات قرآن پشت سر هم فضل فروشی می کنند وگرنه آنها می دانند مخاطب زبان عربی بلد نیست و می توان معانی آیات را به فارسی گفت ولی برای فضل فروشی این کار را می کنند. برخی دیگر با ارائه آمارهای پیچیده بدون اینکه ضرورتی داشته باشد فضل فروشی می کنند.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.